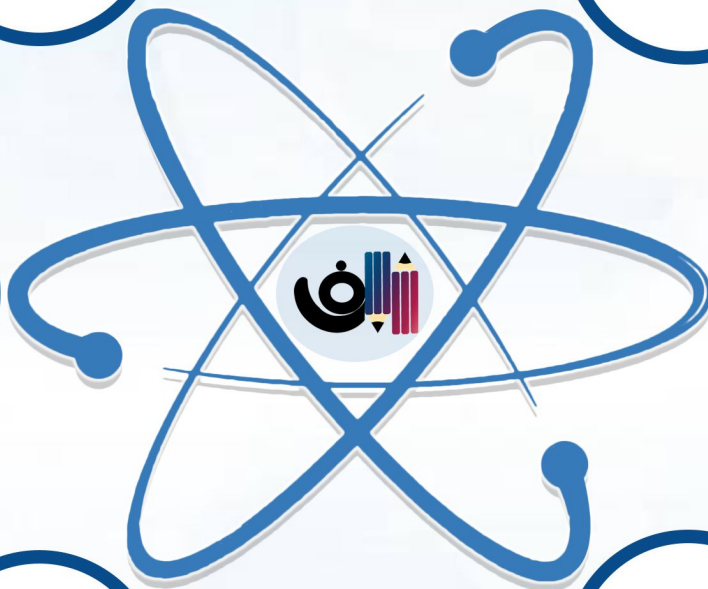


سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

دانشگاه از
پشت سیستم

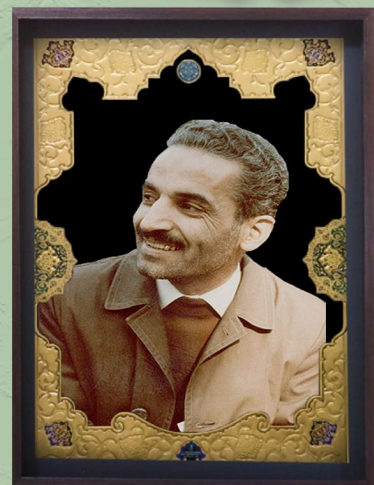
حقوق دانشجو



نقاشی
و آموزش



مدیر مسئول: الهام جعفری سردبیر: فاطمه رثافتی
هیئت تحریریه: زهرا صداقتیان، زهرا مختاری
مستند هیئت تحریریه: زهرا مختاری، مرجان احمدی بیژان
هاجر خسروی سرو
هیئت طراحی: نفیسه یوسفی، فاطمه یزدان پناه
ویراستار: فاطمه یزدان پناه
حروف نگار: زهرا نوفرستی



صدای نیزه و شمشیر سپر انداختی کابل؟
تیرها پرواز کردند و قلبت را نشانه رفتند.
درختان بادامت عقیم شدند. یاکریم‌ها
پرواز کردند و بالا رفتند بالا و بالاتر.
مگر قله‌هایت سر به کدام آسمان ساییده
بودند که باران خون گرفت؟ قلم‌ها در
خون غوطه‌ور شدند. سیل آمد و انسانیت
و شرافت را با خود برد.

این بار تمام بیست و چند سالگی ادریس به
قله‌های پامیر* ریخت. امیدش، دوست داشتنش،
مغزش و شاید دلش! مرضیه با نخ بادبادکش به
ابرهای پیوست مسابقه کاغذپرانی بود همه کلاس
پریدند. از فواره‌ها خون چکید.
پامیر لرزید.

کابل! دختر شعرپارسی تو در کجای قصه نشسته‌ای
که برک* مشکی از سرت بر نمی‌داری؟
کابل منم کابل تویی کابل همه هستیم تا زمانی که
عَلَم در دست داریم قلم‌هایمان را نشانه می‌روند
و دور میدان به کمینمان می‌نشینند چه فرقی می‌کند
قامتت به بلندی پامیر باشد یا دماوند؟ وقتی که
کرکس‌ها چشم انتظار عقاب باشند و فکر کنند اگر
بر آتش دل دماوند آب سرد بریزند خاموش می‌شود.
کرکس پیر بر فراز این گنبد گیتی گشتی و عقابی شکار
ستش را بگو جان پدر کجاستی؟
برک: کلاهی که زنان افغان بر سر می‌گذارند
پامیر: قله‌ای در افغانستان نماد ملی آن کشو

رجایی معلمی را نوعی وظیفه می‌دانست.
او با توجه به استعداد خدادادی‌اش در تعلیم
و تربیت، خود را موظف به تدریس می‌دانست.
در ابتدای سال تحصیلی با شاگردانش قرار و
مدارهایی می‌گذاشت که تا آخر سال هم خود
و هم شاگردانش در حد توان، به آن‌ها پایبند
می‌ماندند. به شاگردانش می‌گفت: من دیر
می‌آیم؛ شما هم دیر نیایید. من غیبت می‌کنم؛
شما هم غیبت نکنید.

من به شما دروغ می‌گویم؛ شما هم دروغ نگوئید.
من به هر قولی که به شما
می‌دهم، وفا می‌کنم؛ شما هم به هر قولی که به
من می‌دهید، وفا کنید.

من خودم را موظف می‌دانم
که برای خیر و صلاح شما تلاش کنم؛ شما هم خودتان
را موظف بدانید که به توصیه‌های من عمل کنید و
تکالیف معین شده را انجام دهید.





هم دانشجوی مجازی عزیز؛ این مطلب فقط برای شماست .

باشد که اندکی از رنج های فراوان این روزهای شما در گیر و دار از کلاس های مجازی بازگو شود. ناگفته نماند که همه در جرگه ی این رنج دیدگان نمیکنند و هستند کسانی که بسیار خوشنود و مسرور از این شیوه ی آموزشی اند. اما اصلا قبل از مسئله ی بحرانی کرونا؛ درس و دانشگاه مجازی در سطح دنیا به چه صورت بوده است؟ این نوع دانشگاه ها از اجزای مختلفی تشکیل شده اند که این اجزا عبارتند از:

Information booth: که به دانشجویان در فهم دانشگاه مجازی ،خدمات آن ،سر فصل های دورس و مدارج آن کمک می کند.

Tearhing unit: دفاتر و واحد های آموزشی که واحد های درسی،سمینارها،آزمایشگاه ها،پایان نامه ها،برنامه امتحانات را ارائه می دهند.

Student office: مسئول خدمات اجرایی و اداری مانند ثبت نام دروس ،سمینارها ، امتحانات و کارگاه هاست.

Library: امکان دسترسی به فهرست های اطلاعاتی و کتابخانه ای را فراهم می کند..

Cafeteria: ارتباطات و اجتماعات دانشجویی را برای دانشجویان دور از دسترسی و نیز گفت و گو و بحث رای برای آنها فراهم می کند

Blackboard: دانشجویان را در جریان اخبار قرار میدهد.

Research center: این مرکز به دانشجویان درباره فعالیت های تحقیقاتی و انتشارات اطلاع می دهد و نیز امکان ارتباط بین دانشجویان و محققان را فراهم می سازد.

Shop: در این محل امکان خرید منابع درسی میسر است.

از مزیت های این نوع دانشگاه ها در این سطح از کیفیت می توان به این موارد اشاره کرد که:

سرعت مطالعه دست دانشجو است، می توانید بیش از یک درس یا رشته را فرا بگیرید، هزینه های یادگیری کاهش می یابد.

کنجکاوی و ابتکاری بیشتر و دسترسی به تکنولوژی های جدید روز، امکان برخورداری از یک روش مطالعه انعطاف پذیر که مطابق نیاز دانشجو است.

اما تجربه تحصیل مجازی در دانشگاه های ما تا کنون چگونه بوده است؟

نظرات دانشجویان دانشگاه های کشورمان در خصوص تجربه آموزش مجازی و امتحانات پایان ترمی که گذراندند با هم متفاوت است.

از اسفندماه سال ۱۳۹۸ بود که دانشجویان و استادان به ناچار شیوه جدیدی از آموزش را در پیش گرفتند.

شیوه ای که دیگر در آن دانشجویی روبروی استاد ننشسته و تخته ای برای نوشتن وجود ندارد.

کلاس درس در سامانه آموزشی مجازی است و اینترنت است که استاد و دانشجورا به هم متصل می کند.

تجربه آموزش مجازی در این سطح گسترده،با چالش های بسیاری برای دانشجویان و استادان همراه بود.

یکی از دانشجویان در این باره می گوید:کیفیت تدریس اساتید خوب بود ولی روزهایی هم بود که کلا سیستم آموزش مجازی دچار مشکل بود یا در روز های ابتدایی برخی اساتید بارگذاری یک فایل پی دی اف را هم بلد نبودند.

یکی دیگر از دانشجویان بیان میکند صرفه جویی در هزینه و زمان یکی از مزایای مهم آموزش مجازی بود مثلا برای دانشجویان شهرستانی تحصیل در تهران هزینه زیادی دارد و علاوه بر آن در زمانی که کلاس ها به صورت حضوری برگزار می شد در فاصله بین کلاس ها با هدر رفتن زمان مواجه بودیم مزیت دیگر این که اگر دانشجویی کلاس آنلاین را از دست بدهد می تواند با دسترسی به فیلم های کلاس درس را دوباره گوش دهد.

به نظر هم می رسد اکثر دانشجویان از نبود زیرساخت های لازم برای برگزاری کلاس های آنلاین ناراضی هستند و نبود پلتفرم های مناسب را از معیاب اصلی این شیوه آموزشی می دانند . از طرفی هزینه های گزاف اینترنت را هم باید از مشکلات مهم این روزها در تدریس مجازی در نظر داشت.

به هر حال باید دید در ادامه این مسیر با توجه به تجربه های به دست آمده از چند ماهه اخیر در بزگرای کلاس های مجازی مسئولان چه رویکرد هایی را برای کاهش و رفع این مشکلات و ارتقا سطح کیفیت این نوع شیوه آموزشی اتخاذ می کنند.



تأثیر نقاشی بر آموزش



کوکب خانم، حسنگ کجایی، دهقان فداکار و... قطعاً از تصاویری هستند که در ذهن بسیاری از ما نقش بسته‌اند و خاطرات تلخ‌وشیرین بسیاری را یادآوری می‌کنند. چشم کودکان و حتی بزرگسالان قبل از آن که متن کتاب را ببینند تصویر آن را برانداز می‌کند و بیش از آن که از خواندن کتاب لذت برد از دیدن تصاویر آن خوشحال می‌شود. هر چه سن مخاطب کمتر باشد تصویر ضروری‌تر و نقاشی‌ها باید پرآب‌ورنگ‌تر باشد زیرا در کنار هم قرار گرفتن هنر نقاش و نویسنده است که در رسیدن به اهداف تصویرسازی را در کتاب‌های دانش‌آموزان ابتدایی ممکن می‌سازد.

نقاشی می‌تواند در برقراری ارتباط با دنیای بیرون، نقش مهمی ایفا کند، در این کار سه بخش یعنی دست، چشم و مغز فعالیت دارد و آگاهی فضایی را افزایش می‌دهد.

نقاشی کشیدن پنجره‌ای به سوی خلاقیت کودکان و شکوفایی احساسات هنری کودکان است.

نقاشی کردن کودکان باعث هماهنگی حرکات چشم و دست آنان می‌شود که البته کسب این مهارت‌های حرکتی در سنین کودکی از اهمیت بسیاری برخوردار است، این مهارت در حین یادگیری نقاشی در کودک تقویت می‌شود.

نقاشی کودک دریچه‌ای است که بر اندیشه و احساسات او گشوده می‌شود و می‌توان از نقاشی‌های او در سنجش شخصیت یک تشخیص نابسامانی روان‌شناختی او استفاده کرد.

دلهره‌های درونی کودک از طریق نقاشی آشکار می‌گردد و به کنترل احساسات هنگام استرس پرداخته و از این طریق اثر مخرب آن‌ها را کاهش می‌دهد آموزش نقاشی یکی از بهترین فعالیت‌هایی است که به کودکان در کشف استعدادها و تخصص‌هایشان کمک می‌کند.

هنر نقاشی با توجه به زبان تصویری و تجسمی خود، کارایی‌های بسیاری در امر تعلیم و تربیت دارد. از جمله:

۱. شناخت خود و جهان
۲. یادگیری اندازه، شکل، طرح‌ها، الگوها
۳. تأثیر مثبت در درک مفاهیم درس
۴. شناخت محیط و فضای زندگی
۵. ایجاد سرگرمی سالم و لذت بخشیدن به کودک

مغز ما به طور فعالی در فعالیت نقاشی شرکت می‌کند، نیمکره چپ مغز مسئول وظایف با ماهیت منطقی و نیمکره راست مسئول خلاقیت و تخیل است. هنگامی که نقاشی می‌کشیم هر دو نیمکره مغز فعال می‌شود و توانایی آن تقویت می‌شود.

نقاشی قدرت تمرکز را تسهیل و به کسب آن کمک می‌کند زیرا تا زمانی که تصویری را می‌کشیم باید برای خلق تفکری که در ذهن داریم متمرکز شویم؛ از طرفی می‌توان در این زمان از مشکلات و شرایط سخت روزمره فاصله گرفت و با نگاه متفاوتی به اطراف نگریم.





فانوس دانایی جلد اول از مجموعه کتاب تاساحل آرامش

دریا آرام اگر باشد، ولی فانوس دریایی روشن نباشد، در صفحه‌ی تاریک شب معلوم نیست، ساحل را پیدا کنی. در میان تلاطم موج‌ها، وقتی نگاهت به فانوس دریایی گره می‌خورد، امید در چشمانت برق می‌زند. از تلاطم نترس، این تاریکی است که وحشتناک است. با فانوس دانایی، راه رسیدن از دریا به ساحل را پیدا کن. اگر مقصدت را درست شناسی، راه زندگی را نمی‌شود طی کرد. حیرت و سر در گمی عاقبت کسی است که بی آن که هدف را بشناسد، راه را طی می‌کند. تو مسافر این راهی. چرا خودت را، نشناخته، دل به دریا زده‌ای؟ راستی تو که تنها نیستی. همسفری هم داری. می‌شود همسفر را نشناخته سفر را آغاز کرد؟ این کتاب، دوست دارد شما را با شناخت‌های لازم در زندگی مشترک آشنا کند. با وجود این شناخت‌ها می‌توانید راه زندگی مشترک را به خوبی پیدا کرده و به کمک کتاب‌های بعدی این مجموعه این راه را با موفقیت طی کنید.



حتما با دانش آموزی در کلاس درس رو به رو شده‌اید که اطلاعات خیلی بالایی دارد و تمام مطالبی که شما می‌خواهید درس بدهید را میداند. به نظر شما معضل است یا نعمت؟ در این نوشتار با هم در مورد این دسته از دانش آموزان می‌خوانیم. قبل از هر چیز برای حضور در کلاس درس در مورد مطالب درسی اطلاعات بیشتر و به‌روزتری کسب کنید؛ تا در برابر سوال‌هایی که ممکن است این دانش آموزان از شما بپرسند، آمادگی کافی داشته باشید.

زمانی که شما تدریس می‌کنید و با این دانش آموزان رو به رو می‌شوید اول اجازه بدهید او صحبت کند و شما به صحبت او گوش کنید و حرف‌های او را جمع‌بندی کنید و از او به خاطر این که به این زیبایی توضیح می‌دهد و به‌روز است تشکر کرده و تشویقش کنید.

از ظرفیت این دانش آموزان می‌توان بهره گرفت و او را به عنوان همیار معلم برگزید و به او مسئولیت داد. با شرایط حاضر می‌توان در گروه‌های کوچک مجازی سه تا پنج نفره این دانش آموزان را به عنوان سرگروه انتخاب کرد تا هم کار تیمی یاد بگیرند و هم ارزشیابی آنان براساس نتیجه گروه باشد و در این گروه یک دانش آموز ضعیف قرار دهید و توجیه کنید که همه اعضا باید یاد بگیرند.

برای دانش آموز دارای اطلاعات بالا از تمرین‌های سطح بالاتر برای تعمیق یادگیری اش ارائه بدهید که میتواند از کتاب‌های کمک درسی سطح بالا برای طراحی این تکالیف استفاده کرد.

زمانی که اینگونه دانش آموزان در کلاس وجود دارند معلم بسیار دقیق باید مطالب را بیان کند زیرا اگر اشتباه کند و این دانش آموز متوجه شود اعتبار و اعتماد او نسبت به معلم کم شده یا از بین میرود.

از غرور کاذبی که در این دانش آموزان ایجاد می‌شود نباید غافل شد و باید او را متوجه کرد که به هر میزان که بداند حتی اگر بیشتر از کتاب باشد علامه دهر نشده و دریای علم به قدری بیکران است که هر روز میتواند مطالبی جدید بیاموزد و اطلاعات قبلی اش را کامل تر کند. لذا معلم باید توجه کند که این غرور باعث سستی کردن و کمتر شدن تلاش دانش آموز برای دانستن هر بیشتر نگردد.

این دانش آموزان چون مطالب را یاد دارند ممکن است با حضور در کلاس و گوش دادن به مطالب تکراری آنان را خسته و دلزده کند و چون آنان را اقناع نمی‌کند ممکن است به راهی به جز درس کشیده شوند بنابراین معلم باید شیوه‌های مختلف را برگزیند تا توجه آنان را به درس جلب کرده و با یک محرک مهیج ایجاد انگیزه نماید.

حضور این دانش آموزان در کلاس گاهی باعث خواهد شد که دانش آموزان ضعیف احساس کنند که یادگیریشان چه قدر کند است و اعتماد به نفس آنان کاهش یابد؛ معلم باید ضمن تشویق کردن دانش آموزان با اطلاعات دیگر دانش آموزان را توجیه کند که با تلاش و مطالعه و تقویت روحیه کنجکاوی و پرسشگری میتواند به این سطح علمی و چه بسا بالاتر دست یافت.





بازخوانی حقوق دانشجویان در دانشگاه‌ها (کمیته‌ی انضباطی)

یکی از پراسترس‌ترین دعوت‌ها دعوت شدن به کمیته‌ی انضباطی یا همان حراست خودمان است. در این نوشتار بررسی می‌کنیم ما به عنوان دانشجو چه حقوقی در رابطه با این دعوت داریم و کلاً چه بکنیم و چه نکنیم.

تنها مرجعی که صلاحیت رسیدگی به تخلفات دانشجویان را دارد شورای انضباطی است. انتظامات، اداری آموزش و بقیه‌ی بخش‌ها حق دخالت ندارند. در پرونده‌های انضباطی براساس ماده‌ی ۶ آیین‌نامه‌ی انضباطی دانشجویان در قانون اساسی این تخلفات عبارتند از: تخلفات عمومی، آموزشی، سیاسی و اخلاقی که حدود هر بخش در زیر نوشته شده است. دعوت دانشجو با نامه‌ی محرمانه، مهر شده و سربسته یا اصطلاحاً پلمپ صورت می‌گیرد. عنوان اتهام باید دقیق و صریح نوشته شود مثلاً نوشتن جهت پاره‌ای توضیحات، اشتباه است و تخلف به حساب می‌آید. احضاریه باید شامل مشخصات دانشجو، تاریخ، زمان و آدرس مکان جلسه باشد.

اصل بر برائت دانشجویست؛ مگر خلافش ثابت شود. دانشجو حق رؤیت مستندات تخلف را دارد. متهم برای اثبات بی‌گناهی نباید کاری بکند بلکه شورای انضباطی برای اثبات اتهام باید تلاش کند.

مواظب جلسات جعلی باشید!

به هیچ عنوان اگر با دعوت تلفنی به جلسه احضار شدید؛ نروید. مرعوب تهدیدهای اشخاص نشوید. اعضای شورا و کارکنان دانشگاه اجازه‌ی تجسس در زندگی خصوصی دانشجویان را ندارند. استراق سمع، فیلم‌برداری و عکس‌برداری از زندگی خصوصی دانشجو ممنوع است و اجبار دیگران به شهادت دادن علیه دانشجوی متهم و تهیه‌ی مستندات از این طریق خلاف است. کلیه‌ی اطلاعات مربوط به تخلف دانشجو محرمانه است و از انتشار آن بایستی جلوگیری شود.

دانشجو حق دفاع کتبی و شفاهی در برابر اتهامات وارده را دارد. حکم شورای انضباطی بایستی کتبا به دانشجو اعلام گردد. دانشجو حق اعتراض و درخواست تجدید نظر دارد. در طول زمان رسیدگی به پرونده حق استفاده از امکانات دانشگاه را دارد. در ضمن دانشجو حق دارد در طول دوران تحصیل یا پس از آن درخواست امحاء مدارک و سوابق انضباطی را بکند.





دلنوشته شب یلدا



پاییز باتمام روزهای بارانی وابری وآفتابی اش گذشت

زندگی صفحه ی کتابش را آرام آرام ورق می زندتابه آخرین فصلش برسد؛

فصل زمستان

فصلی که که بامقدمه ای طولانی تر از فصل های دیگر،آغاز می شودنام آن مقدمه یلداست.

مقدمه ای به وسعت يك شب پرستاره وطولانی

شبی که دلهارابههم نزدیک می کندوبه سمت هم می کشاندتادرکنارهم طولانی ترین شب سال راجشن بگیرند

تازیرکرسی عشق دلهایشان راگرم کنندویخ فاصله هارابشکنندوصمیمی تر از قبل زندگی رابسازند.

سینی های انار را روی کرسی می گذارندوانارها را دانه می کنند تا یاد بگیرند

شادی،غم،دلتنگی،انتظار،موفقیت وشکست هم درزندگی مثل این دانه های انار هستند

که همگی در کنار هم زندگی را زیباتر می کنند.

مهم ترین بخش دورهمی های شب چله،گرفتن فال حافظ است

حافظی که باشعرهای زیبایش یلدا را به کام مهمان هایش شیرین می کند.

واماحالا....همه ی اینها را باجمله ی یادش بخیر ازسرمی گذرانم،چون امسال یلدامتفاوت ازسالهای قبل پاییز را تمام

می کندوجشن هرسالمان،که پیش ازاین به دور از قانون ودستور خاصی بود امسال يك قانون دارد.

قانونی که همه چیز را دربرگزاری این جشن برعکس کرده است.

مدتهاست ویروس منهوسی درکمین تمام جشن هاوشادی هاوحتی عزاداری هایمان نشست است تامارا ازهم جداکند

،تا بزرگترین نعمت دنیایعنی سلامتی را ازما بگیرد.پس قانون یلدای متفاوت امسال ما،

نزدیکی دلها درعین فاصله ی تن هااست .

آری،درست است که بایدازهم فاصله بگیریم وبه دیدار همدیگر نرویم اماهنوز هم راهی برای نزدیکی هست

،راهی که در یلدا های قبل آن را کنارمی گذاشتیم تابیشتر وقتمان را باهمدیگر بگذرانیم اما دراین یلدای متفاوت

بایدازاین راه برای جشن امسالمان كمك بگیریم تا با فضای مجازی، مراسم شب یلدای مجازی راهم تجربه کنیم

وچه بساکه همین تجربه هاست که آدمهارا می سازد و قوی ترمیکند.

امیدوارم یلدای امسال ،حافظه يك فال امیدوارکننده به همه ی ماهديه کند و آن فال این شعرباشد

"دور گردون گر دوروزی برمرادما نرفت/ دائمايکسان نباشد حال دوران غم مخور".

بیاییددرطولانی ترین شب سال،سرسفره هایی که بدون حضور عزیزانمان پهن می شود

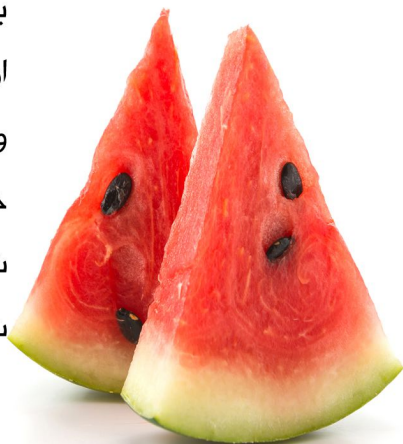
ازخدابخوایم كمك کندتازندگی هایمان به حالت قبلی اش برگردد

ودوباره بتوانیم با آرامش زندگی کنیم شایداگر رفتن این ویروس تمام خواهش دستانمان شود

خداست هایمان راخالی برنگرداند،شایدما را به خانه ی بخشندهی اش دعوت کرد.

شاید دقیقه ی آخر این شب خداحکم رفتن ویروس راصادر کرد،

شاید دقیقه ی آخر این شب واسطه ی ما وخدایمان شود....ان شاءالله



مریم حسینی

از اولین ساعتی که وارد کلاس‌های درس دانشگاه فرهنگیان شدیم اولین جمله‌ای که در جزوه‌هایمان نوشتیم تعریف پرورش یا همان تربیت بود؛ ولی وقتی به نهادهای که موظف به خدمت در آن بود نگاه کردیم دیدیم انگار اولویت با آموزش است. زیرا می‌گویند آموزش و پرورش چراغ‌های مغزمان روشن شد که پس چرا اول معنی تربیت را می‌خوانیم بعد یادگیری. به سیستم مدرسه‌ها که دقت کردیم دیدیم همه دارند ماشین تست‌زنی بار می‌آورند تا دانش‌آموز وقتی در اسم ارجحیت با آموزش باشد همین می‌شود. کودک یا نوجوان قبل از این که کاربرد کاتالیزگر را بداند باید یاد بگیرد در کدام بخش‌های زندگی سرعتش را بیشتر کند که درمانده نشود و معادلاتش به هم نیفتد. مخلص کلام این که باید ارزش‌ها و پارادایم حاکم بر سیستم آموزش و پرورش کشور تغییر کند. باید این ارزش‌ها قراردادی که فلان مدرسه سطح علمی بالایی دارد، جای خود را به این ارزش واقعی بدهد که فلان مدرسه دانش‌آموزان را بهتر، برای زندگی آماده می‌کند. اگر همین تغییر پارادایم رخ دهد، آنگاه موجی از اصلاحات توسعه‌محور، نظام آموزشی و به تبع آن کل جامعه را فرا خواهد گرفت.

سوال

سوال این شماره‌ی ما از شما

- آیا با ازدواج دانشجویی موافق هستید؟

منتظر دیدگاه‌های شما هستیم در

TELEGRAM= @marajinma9899

EMAIL= nashriyealef1399@yahoo.com

